



فریدون مجلسی در گفت‌وگو با «شرق»

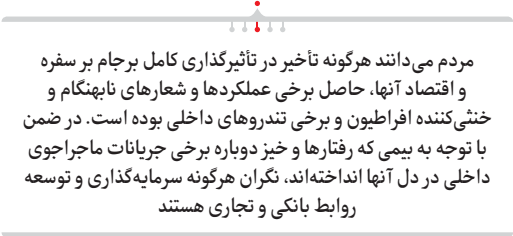
مردم به دیپلماسی عقلانی رأی می‌دهند نه توهم و ماجرا جویی

حامد طبیبی

تاکنون توانسته از شعارهای افراطی که علیه این رژیم سر داده شده، با مظلوم‌نمایی سود بسیار برد و دشمنان منطقه‌ای خود را به جان بکدیگر بیندازد. آمریکا نیز، اکنون بیش از همیشه، تحت‌تأثیر و پیرو امیال اسرائیل است. به این دلیل تمایل و تبلیغات دوستان منطقه‌ای و تأثیرگذار غربی، ایجاد و تشدید برخی مسائل قومی و البته تبلیغات ضددولت اعتدالی روحانی است. آنها به خوبی تحولات داخلی ایران را می‌بینند که در اثر تبلیغات و عملکردهای افراطیون داخلی، روحانی توانسته از همه مفاد برجام به سود منافع ملی همه ایرانیان بهره ببرد. این رژیم‌های منطقه‌ای خواهان دل‌سردی و عدم مشارکت مردم در انتخابات به بهانه‌های گوناگون هستند چراکه در غیاب آرای مردمی، عملاً عرصه در اختیار افراطیونی قرار می‌گیرد که بیشتر به بهره‌مندی در پناه شعارهای ستیزه‌جویانه می‌اندیشند و این همان چیزی است که این رژیم‌ها آرزوی آن را دارند. اینکه ایران به دوران احمدی‌نژاد باز گردد. در این حوزه، جریان‌های ناراحت داخلی و این رژیم‌ها، کاملاً همسو هستند و صدای مشترک دارند.

۱۱ **اینکه دولت روحانی، مشکلاتی در اجرای یک سیاست خارجی منسجم دارد، امر مشخصی است. سؤال من این است که غرب می‌خواهد روی منافع با رژیم‌های مرتجع و ناقض حقوق‌بشری مانند سعودی و اسرائیل حساب باز کند و منظر انفجارهای هر روزه در پایتخت خود از سویی گروهبان‌های اقماری اعراب باشد یا ایرانی را که رفتاری سازنده دارد، ترجیح بدهد؟**

جهان غرب، حتی آمریکا و در کنار آن آسیای شرقی، خواهان توسعه روابط بازرگانی و اقتصادی در پناه آرامش و اعتدال است. آنها طبیعتاً از دولتی اعتدالی که به نوبه خود به منافع ملی، رفاه عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌اندیشد، استقبال می‌کنند، آن را به سود خود می‌دانند و آن را ترجیح می‌دهند؛ اما فراموش نکنیم طبیعتاً سیاست اجرائی، استفاده از گزینه دیگر را هم در آستین دارد. معتمد با بودن دولتی اعتدالی که عملکردش به سود مردم خود و به سود تعاملات بین‌المللی است، نیازی به فشار بیشتر نخواهد بود. برخی رفتارهای غیرسازنده داخلی هم بهانه‌های مداخلات منطقه‌ای را به دست آنها می‌دهد و بازاریابی‌های تسلیحاتی را جایگزین منافع تجاری و اقتصادی متعارف آنها با ایران می‌کند.



۱۲ **مردم می‌دانند هرگونه تأخیر در تأثیرگذاری کامل برجام بر سفره و اقتصاد آنها، حاصل برخی عملکردها و شعارهای نابهنگام و خشن‌کننده افراطیون و برخی تندروهای داخلی بوده است. در ضمن با توجه به بیمی که رفتارها و خیز دوباره برخی جریان‌ات ماجراجوی داخلی در دل آنها انداخته‌اند، نگران هرگونه سرمایه‌گذاری و توسعه روابط بانکی و تجاری هستند**

۱۳ **چقدر محافل تندروی آمریکایی از قدرتمندترشدن ایران در دوران روحانی و امتیازاتی که از دنیا گرفته، سخن گفته‌اند و از آن ابراز تأسف کرده‌اند. این یعنی آنها ترجیح می‌دهند با مدلی مانند دولت احمدی‌نژاد یا بدل آن، طرف باشند تا افرادی که ادبیات دیپلماسی جهانی را می‌شناسند و به زیرویم آن آشنا هستند؟**

محافل تندروی آمریکایی حامی منافع و خواسته‌های رژیم اسرائیل هستند. آقای هاگای (حجی)، استاد منتقد اسرائیلی دانشگاه تل‌آویو، در کتاب «ایران هراسی» می‌نویسد وقتی احمدی‌نژاد با آن شعارهای افراطی به ریاست‌جمهوری ایران انتخاب شد، اسرائیل شادمانی کرد؛ زیرا بهانه لازم را برای آزادی عمل خود پیدا کرد. نگرانی محافل تندروی آمریکایی از قوی‌شدن ایران، این است که مبدا اهداف آرمانی و نابودسازی اسرائیل در ایران تداوم یابد؛ در این صورت، مقابله و ستیز با دولتی رادیکال در ایران با مشغول‌داشتن آن به جنگ‌های فرسایشی و به ضعف و فقر کشاندن آن برای محافل افراطی آمریکا مطلوب‌تر است؛ اما منافع تجاری و اقتصادی آمریکا آرزومند دولتی اعتدالی است تا بتوان با آن برای حل و رفع مسائل، مذاکره کرد.

۱۴ **چقدر احتمال می‌دهید ایالات متحده دونالد ترامپ، در این یک ماه دستست به رفتارهایی بزند که می‌تواند روی انتخابات در ایران تأثیر بگذارد؟**

تهدیدها و رفتارهای ضدایرانی ترامپ در این مدت کوتاه فقط توانسته بر احساس خشم مردم ایران بیفزاید و جز کسانی که جنگ‌افروزی میان آمریکا و ایران را هرچه می‌برکینه‌توزی‌های خود می‌دانند، بقیه ایرانیان از رفتارهای نابخردانه ترامپ آزرده‌اند؛ اما این احساسات موجب نمی‌شود



عکس: امیر جدیدی، شرق

سیاست

نگاه

روزنامه‌نگار



۱. در فصل انتخابات، همواره با موجی از شعار در کشور مواجه می‌شویم. این روزها هم که اقتصاد ما در وضعیت ناخوشایندی قرار دارد، اگر دقیق بنگریم، چه دولت مستقر و چه مخالفان دولت، بیش از هر چیزی با شعارهای اقتصادی به صحنه آمده‌اند. بالا بردن قدرت خرید مردم، رونق‌بخشیدن به تولید، اشتغال‌زایی، سامان‌دادن به نظام مالیاتی و... هم از شعارهایی هستند که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. اما اگر دقیق‌تر بنگریم، «برنامه» درخور توجهی برای عملی‌کردن شعارهایی که مطرح می‌شود، دیده نمی‌شود. در غیاب برنامه یا برنامه‌هایی برای رفع مشکلات، تنها نکته درخوراعتنا، جهت‌گیری‌های عقلاانه است که شاید به‌تدریج و با گشودن فضاهای مناسب، نتیجه‌های سودمندی در پی داشته باشد. اما از اینکه بگذریم، آنچه داغ است، بازار شعارهای انتخاباتی است.

برای نمونه، همچنان از بالا بردن میزان یارانه نقدی سخن می‌گویند که بیشتر یا چند برابر خواهد شد، ولی نمی‌گویند از کجا؟ (از درآمد نفت؟) و نمی‌گویند در پی چنین شعارها و سپس تصمیم‌هایی (که بر مبنای برنامه‌های سنجیده شکل نمی‌گیرند) هزینه آب، برق و... چند برابر می‌شود؟ چنین شعارهایی گاهی جریانی را به قدرت می‌رساند ولی در غیر این صورت هم، چنین شعارهایی تورم‌زا و هزینه‌ساز است و گرفتاری‌های اقتصادی ما را افزایش می‌دهد. ما اکنون در جهانی زندگی می‌کنیم که وقتی دولتی انتخاب و مستقر می‌شود (حتی اگر در کشورهای پیشرفته هم باشد) توانایی معجزه ندارد و در نهایت، با برنامه‌های تعدیلی می‌تواند برای رفع تدریجی مشکلات تلاش کند. در کشورهای پیشرفته مانند آلمان و... هم که از قدرت و توانایی بیشتری برخوردارند، معجزه و اقدام یک‌شبه برای رفع مشکلات امکان‌پذیر نیست و در نتیجه شعارش هم بی‌معناست، ولی در ایران چنین شعارهایی برای جلب آرای مردم داده شده و می‌شود. شعارهایی که فقط و فقط توقع و انتظار ایجاد می‌کنند و در پی برآورده‌نشدن انتظارات بیجا، به فرآگیرشدن یأس و دل‌سردی می‌انجامند. یعنی بدون طرح و برنامه و با شعار افزودن بر سفره مردم می‌آیند و سرانجام سفره‌ها را کوچک‌تر کرده و می‌روند.

۲. دموکراسی با انتخابات (رای مردم) و جرخش قدرت در مدت زمان مشخص (جلوگیری از فساد) پیایبست می‌یابند. در دموکراسی، جایگاه نهادهای مدنی و حزب بسیار اهمیت دارد و سیاست‌ورزی در غیاب حزب‌های سیاسی در دموکراسی تعریف‌پذیر نیست. در کشورهای پیشرفته (و حکومت‌های مردم‌سالار) حزب‌های قوی فضای سیاسی را شکل داده و سامان‌یاسی را پدید می‌آورند. حزب‌های مختلف براساس گرایش‌های گوناگون وجود دارند و شهروندان می‌توانند در جایگاه هوادار به یکی از آنها بپیوندند و سپس در صورتی که جدی‌تر باشند، با شرکت در کارنامه‌های انتخاباتی، کار تشکیلاتی و فعالیت‌ها را در جهت تحقق اهداف خود پیش ببرند. در ایران، چنین چیزی به صورت تدریجی اصل متن را با مشکل مواجه می‌کند چراکه ندیدن زمانه و زمینه صدور، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که هرکس به فراخور درک خود به این مشابه‌سازی‌ها بپردازد که این مشابه‌سازی‌های متفاوت به‌تدریج متون را به تشابه انداخته و کارکرد آن را با مشکل مواجه می‌کند. کسانی که این‌گونه شبیه‌سازی‌ها را انجام می‌دهند هرچه جایگاه اجتماعی بلندتری داشته باشند، به همان میزان در ایجاد جالش تأثیر گذارترند.

۳- **شبیه‌سازی شخصیتهی وهمساز سازی وقایع**

صورت دیگر شبیه‌سازی، مشابه‌سازی شخصیتی است. برخی از افراد سال‌هاست به این شکل به اثبات خویش و همراهای خویش و نفي و مبارزه با رقیبا می‌پردازند و تلاش می‌کنند برای حذف رقیب یا رقیبا یکی را عمر وعاص بخوانند و دیگری را حرم‌له نامند. برای جذب مشتری یکی را مالک اشتر می‌نامند و دیگری را ...؛ غافل از اینکه آنها اگر کارکرد مقطعی داشته باشند و در کوتاه‌مدت به جذب مشتری کمک کنند اما آسیب درازمدت دارند. به راستی چرا گرامیانی که وارد این‌گونه فضاها می‌شوند، تلاش نمی‌کنند تا خویشان را شفاف‌کنند و داشته‌های خود را عرضه بدارند نه آنکه عرض دیگران را به حراج بگذارند. بنیاید اخلاق و دین را در همان جایگاهی که هستند بنشانیم و این دو عزیز را فدای خویش نکنیم.

ادامه در صفحه ۱۱

سال چهاردهم • شماره ۲۸۴۲ • روزنامه شرق



سال‌هاست در چنین ایامی - انتخابات - اخلاق و نمادهای آن از یک سو و دین و المان‌ها و الگوهای آن از سوی دیگر در شکل‌ها و قالب‌های متعددی مورد تعرض قرار می‌گیرند و چند گام دیگر جامعه پیرامونی از اخلاق و دین دور می‌شود. اخلاق و دین دو عنصر مهم هویت‌سازنده که هریک به دلایلی، بخشی از انسان‌ها را می‌توانند مدیریت و کنترل کنند که اگر این دو پایه و اساس فرو ریزند، جامعه از درون دچار گسست می‌شود و سقوط می‌کند.

۱- هزینه‌کردن از اخلاق وعالمان اخلاقی

سیاست و رفتارهای سیاسی در جوامعی مانند جامعه ما آن چنان پرهیمنه است و به غلط چنان جغرافیا گسترده‌ای دارد که حتی حریم خصوصی و حیاط خلوت همه شهروندانش را با تهدید مواجه کرده است. در چنین فضایی است که اخلاق و عالمان اخلاق هرازچندی به بازی گرفته شده و مورد تعرض قرار می‌گیرند که اگر مدیریت نشود، در درازمدت بنیان‌های اخلاق و اخلاق‌گرایی با فروپاشی وحشتناکی مواجه خواهد شد. هزینه‌کردن از اخلاق و عالمان اخلاقی گرچه نشان‌دهنده فهم سیاست‌بازان و متولیان سیاست نسبت به اهمیت و نقش اخلاق در جامعه است اما اشکال آن است که از این فهم درست سوءاستفاده و دلبستگی مردم و شهروندان به این‌گونه امور را به‌نفع خویش مصادره می‌کنند. اینکه کسی با سخنان و رفتارهای خویش و با تمسک به گزاره و آموزه‌های اخلاقی رفتارهایی غیراخلاقی انجام دهد، رفتاری راکارانه و مزورانه است که گاه به راحتی قابل تشخیص نیست و سال‌ها باید بگذرد تا این جنبه از شخصیت و رفتارهای این جماعت نمایان شود. این فاصله گاه آن‌قدر زیاد است که سرمایه عمومی و اجتماعی زیادی از دست می‌رود. هنوز از یاد نبرديم کسانی را که با تمسک به گزاره‌های آخرالزمانی و... به اعتماد دو نسل ضربه زدند و بعد معلوم شد که سودایی دیگر در سر دارند. استفاده‌کردن از برخی شعارها و نمادهای اخلاقی در ایام تبلیغات و در مناظره‌های ملی و محلی برای نفی رقیب و غلبه بر رقیبا سال‌هاست در این سرزمین آزموده می‌شود و همچنان نیز با برخی رفتارها در همین ایام بیشتاانتخابات ظاهراً قرار است تداوم پیدا کند. در کنار این‌گونه بهره‌گیری‌های غیراخلاقی از اخلاق، برخی نیز تلاش می‌کنند از عالمانی که سرمایه‌های اخلاقی جامعه هستند نیز به‌نفع خویش سوءاستفاده کنند. عالمان اخلاق سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه هستند و بر فرض که آنان خود به دلیل سلامت نفس و بی‌آلایشی متوجه نیستند، سیاست‌مداران حق ندارند آنان را مصادره کنند. اگر سیاست‌مداری دغدغه اخلاق داشته باشد، حتی اگر زمینه استفاده از عالمان اخلاق در تبلیغ برایش فراهم باشد هم این کار را نخواهد کرد. اینکه در چنین ایامی مواجه می‌شویم با این موارد که از قول فلان معلم اخلاق نقل می‌شود «به فلالی رأی بدهید تا آخرت شما تأمین شود» یا «مدیون خون سیدالشهدا هستید اگر به فلالی رأی ندهید...» و... می‌تواند نقشی این عالمان را با چالش جدی مواجه کند کم‌اینکه این‌گونه شده است. اگرچه باید به عالمان اخلاق را سر تواضع و فروتنی و ارادت توصیه کرد که چون شما گرامیان سرمایه‌های اجتماعی هستید، خویشتن‌داری کنید و این‌گونه سخن نگویند اما این تکلیف ما را ساقط نمی‌کند بلکه تک‌تک ما موظفیم گذاریم چنین اتفاقی بیفتد.

۲- هزینه‌کردن از دین ونمادهای دینی

آسیب دیگر با مشکل دیگری که این روزها خود را نشان می‌دهد و هرازچندی هم تکرار می‌شود، مصادره دین و نمادهای دینی به نفع جریان‌ات و افراد و گروه‌های خاص است. گاه دین را و آموزه‌های دینی را به خود گره می‌زنیم و گاه نمادهای دینی و شخصیت‌های دینی را به اندازه خویش کوچک می‌کنیم یا خود را به اندازه آنها بالا می‌بریم تا بتوانیم به اثبات خویش و نفی دیگران بپردازیم.

۱-۲- هزینه‌کردن از دین برای اثبات خویش

در اطراف ما هستند کسانی که خود را متولی دین می‌دانند و از آنجا که کسی نیست به این حضرات یادآوری کند که این انسان‌ها هستند که باید خود را با دین بسنجند نه اینکه دین را با خود بسنجند، سدی و مانعی در مقابل این رفتارهای خویش نمی‌یابند و بنابراین سال‌هاست که این‌گونه زیست می‌کنند. بارها شنیده و دیده‌ایم که افراد و جریاناتی در این ایام با هزینه‌کردن از دین و گزاره‌های دینی، بهره‌گیری شخصی کرده و از آنجا که دین را به خود گره می‌زنند، تلاش فراوانی می‌کنند به لطایف‌الخیل رقیب را از صحنه بیرون کنند غافل از اینکه آنچه در درازمدت از میدان بیرون می‌رود، دین است. دینی که چنانچه دیده شود تا به اندازه یک شخص یا یک جریان یا یک صنف کوچک شود و به یک فرد و یک جریان گره بخورد، دیر یا زود با آسیب جدی مواجه می‌شود. سؤال و ابهام جدی که اینجا می‌توان مطرح کرد، این است که ما چه توجیه شرعی یا عقلی داریم که دین را به اندازه قامت کوتاه خویش کوچک کنیم و از آن نربدانی درست کنیم تا برای مدتی قد کوتاهمان به سخره گرفته نشود؟

۲-۲- شبیه‌سازی متنی ومصادقی

یکی دیگر از روش‌های غلطی که سال‌هاست در این سرزمین آزموده شده و می‌شود، شبیه‌سازی متنی و مصداقی برای متون دینی و کهن است. روایتی می‌خوانیم و بدون توجه به زمانه و زمینه صدور و هزار نکته دیگری که معمولاً در صدور روایت و فهم درست آن دخیلات دارد، خود دوسوان خود را رقیبان خویش را مصداقی از آن متن می‌دانیم. این‌گونه تطبیقات به صورت تدریجی اصل متن را با مشکل مواجه می‌کند چراکه ندیدن زمانه و زمینه صدور، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که هرکس به فراخور درک خود به این مشابه‌سازی‌ها بپردازد که این مشابه‌سازی‌های متفاوت به‌تدریج متون را به تشابه انداخته و کارکرد آن را با مشکل مواجه می‌کند. کسانی که این‌گونه شبیه‌سازی‌ها را انجام می‌دهند هرچه جایگاه اجتماعی بلندتری داشته باشند، به همان میزان در ایجاد جالش تأثیر گذارترند.

۲- **۳- شبیه‌سازی شخصیتهی وهمساز سازی وقایع**

صورت دیگر شبیه‌سازی، مشابه‌سازی شخصیتی است. برخی از افراد سال‌هاست به این شکل به اثبات خویش و همراهای خویش و نفي و مبارزه با رقیبا می‌پردازند و تلاش می‌کنند برای حذف رقیب یا رقیبا یکی را عمر وعاص بخوانند و دیگری را حرم‌له نامند. برای جذب مشتری یکی را مالک اشتر می‌نامند و دیگری را ...؛ غافل از اینکه آنها اگر کارکرد مقطعی داشته باشند و در کوتاه‌مدت به جذب مشتری کمک کنند اما آسیب درازمدت دارند. به راستی چرا گرامیانی که وارد این‌گونه فضاها می‌شوند، تلاش نمی‌کنند تا خویشان را شفاف‌کنند و داشته‌های خود را عرضه بدارند نه آنکه عرض دیگران را به حراج بگذارند. بنیاید اخلاق و دین را در همان جایگاهی که هستند بنشانیم و این دو عزیز را فدای خویش نکنیم.